

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی



ساما- (ادامه دهندگان)
۰۷ اکتوبر ۲۰۱۱

اعلامیه

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ادامه دهندگان) به مناسبت دهمین سال استمرار تجاوز و اشغالگری امپریالیستی در افغانستان

پس از شکست و فرو پاشی نظام سوسیال امپریالیستی شوروی و اردوگاه ضد انقلابی تحت رهبری آن به مثابه رکنی از سیستم جهانی امپریالیسم و پدیدار شدن اوضاع و شرایط پس از جنگ سرد، تهاجم ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و نظامی بلوک امپریالیستی غرب افسار گسیخته شد. همزمان با آن در پاسخ به نیازها و رفع موانع حرکت جهانی سرمایه مالی با منطق نیولیبرالی، و جهت دستیابی بر منابع بیکران و سرشار طبیعی، نیروی انسانی و بازارهای "بی صاحب" گسترده آسیای مرکزی و افغانستان، یک بار دیگر کشور ما مورد هجوم و استیلا امپریالیستی قرار گرفت. لازمه تحقق این هدفمندی از منظر امپریالیسم جهانی، تجاوز مستقیم نظامی به افغانستان به مثابه کشوری دارای موقعیت جیوپولتیکی ویژه بود که ده سال قبل از امروز، در هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ م به سرمداری امپریالیسم اشغالگر امریکا و سائر شرکای امپریالیستی آن، اشغال افغانستان به طور کامل صورت گرفت.

در روند مستعمراتی کنونی کشور ما طی یک دهه اخیر، دو بینش و کنش متعارض در مقابل اراده برده ساز امپریالیستی و اهداف غارتگرانه استعمار بر پایه نقش و موقعیت تاریخی طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی آن مشهود بوده است. از سر آغاز تجاوز نظامی و اشغالگری امپریالیسم جهانی به کشور ما، نیروهای انقلابی آن را

جنایت به ملک و مردم خود خوانده و علیه آن به شیوه های ممکن ایستادند. اما نیروهای مزدور (جهادی، ملیش، بوروکرات، نظامی و...) مربوط به طبقات ارتجاعی - بر پایه همسرستی و پیوند تاریخی ارتجاع با استعمار - پایه های اجتماعی امپریالیسم اشغالگر و ستون فقرات اداره مستعمراتی را شکل داده و شریک جرم و جنایت، بهره کشی و غارت امپریالیستی - ارتجاعی هستی کشور ما بوده و هستند. روشنفکران تسلیم طلب نیز علی رغم سفسطه بازی های شان در واقع در حاشیه همین اردوی ارتجاعی جا خوش کرده اند.

قدوم نامیون استعمار امپریالیستی در کشور ما، مصائب و سیه روزی های بیشماری را بر کرده خلق کشور ما تحمیل کرده و در نتیجه آن طی ده سال اخیر افغانستان اشغال شده کشوری بوده است مستعمره، فاقد استقلال سیاسی و حاکمیت ملی.

امپریالیست های متجاوز و اشغالگر در کشور ما به منظور تحمیل و اغوای خلق اهداف اصلی استعماری و غارتگرانه خویش را با روپوش های فریبنده اشاعه "تمدن"، "هدیه" "دموکراسی"، ادعای کاذب "باز سازی"، "نجات مردم از چنگال القاعده و طالبان"، "حقوق بشر"، "تأمین حقوق زنان افغانستان" و غیره از انظار مستور داشتند.

این اغواگری امپریالیست های متجاوز به کشور محبوب ما سبب شد که عده ای از روشنفکران فرصت طلب، گمراه و تشنه قدرت، فریفته آن شده و در سر گردنه با دزد هم پیمان شوند. برخی از این منحرفان شعار اشغالگر (دموکراسی) را مسأله روز کشور مستعمره و تضاد عمده خلق را با فنودالیسم اعلام داشتند. این انقیاد طلبان با اعلام اینکه امپریالیسم امروز امپریالیسم دیروز نیست و امپریالیسم با ضربت زدن فنودالیسم وظیفه انقلاب ضد فنودالی را در افغانستان انجام می دهد؛ به نحوی شعار دادند که "کاروان دموکراسی" در افغانستان باید رهبری امپریالیسم را پذیرفته و او را همراهی کند. بدینوسیله سفسطه گرانه پایه های سست تئوریک و فلسفی انقیاد طلبی را ریخته و به اهداف اصلی استعماری و غارتگرانه امپریالیستهای اشغالگر پرده افکندند و رهبری امپریالیستهای اشغالگر در کشور شان را پذیرفتند و به مادر میهن خیانت کردند. اینان در سایه حاکمیت استعماری در حرکت خاینانه جلسه بازی های بُن، لندن، مونشن و "انجی اوئیسم" با "مائوئیستهای" تسلیم طلب حرفه ئی جلسه نشین و انجی او باز و "حزب علنی سازی" به مصرف استعمار و با اهداف استعماری، در کنار استعمار امپریالیستی قرار گرفتند و برخیها "مدالهایی" را نیز دریافت کردند.

اما علی رغم تلاش های اشغالگران و ایادی شان و صرف میلیاردها دالر، برنامه های اغواگر متجاوزان امپریالیست در جامعه ما پایه و مایه عمیق اجتماعی نیافته و حنای پروژه های استعماری امپریالیستهای اشغالگر طی این ده سال اشغالگری آنان درست رنگ نگرفت. مخارج ده سال اشغال نظامی کشور ما هم برای امپریالیست های اشغالگر و هم برای مردم افغانستان خیلی گران بوده است. پس از صرف میلیارد ها دالر، دادن تلفات زیاد و مخالفت مردمی در درون کشور های امپریالیستی و به خاک و خون کشیدن و به زنجیر کشیدن مردم آزاده افغانستان و ویرانی این کشور، هنوز هم اهداف اساسی امپریالیست ها در رابطه به افغانستان و منطقه آسیای مرکزی تحقق نیافته است.

علی رغم شکست سیاست ها و ماجراجویی نظامی امپریالیستهای، و به خصوص امپریالیستهای امریکائی، در افغانستان، آنها هنوز هم طمع خام بلعیدن منابع سرشار کشور ما و استفاده از خاک و فضای کشور ما به عنوان ابزار عمق نفوذ و تحقق ستراتیژی شان در آسیای مرکزی و منطقه را در سر می پرورانند.

بدین هدفمندی، و در تحت فشار های چند گانه ناشی از اشغال امپریالیستی افغانستان و عواقب زیانبار اشغالگری و ماجراجویی نظامی در سائر نقاط و در نتیجه بحران اقتصادی کمر شکن جاری، امپریالیست ها، و از جمله هژمونیت های امریکائی، ناگزیر به تعدیل قسمی ستراتیژی شان در افغانستان و منطقه ما شده اند. برای تحقق این مأمول، این فرشته های دروغین نجات (امپریالیست های متجاوز و اشغالگر در کشور ما) به شعارهای فریبنده اشاعه "تمدن"، "دموکراسی"، "باز سازی"، "نجات مردم از چنگال طالبان"، "حقوق بشر"، "حقوق زنان افغانستان" و سائر ادعاهای کاذب شان پشت کرده و برای نجات خود از مخصه، حال همان طالبان را "فرشته های نجات خویش" می پندارند و به آنها روی آورده اند.

آری! امپریالیستهای امریکائی ضمن تحمیل و به اصطلاح "قانونمند" ساختن اشغال دایمی افغانستان از طریق عقد پیمان ستراتیژیک با مزدوران شان در اداره مستعمراتی کابل، برنامه توحید ارتجاع طالبی با ارتجاع فئودال - کمپرادوری را با تعدیل هر دو جانب در چهارچوب اداره مستعمراتی کابل در دستور روز خویش دارند.

نیروهای سالم انقلابی که به ضد تسلیم طلبی ملی و انقیاد طلبی به پا خاسته و "همزاد طبیعی بودن"، همسرشت بودن، ضد انقلابی بودن و پیوند طبیعی و تاریخی امپریالیسم - ارتجاع را دیده و امپریالیسم را در افغانستان حامی فئودالیسم و این دومی را پایه اجتماعی اولی می دانستند؛ و تضاد عمده کشور اسیر ما را تضاد با امپریالیسم اشغالگر و ارتجاع متحد آن می دیدند و هرگونه تفکر و کنش سازشکارانه با دشمن عمده را تسلیم طلبی و در نتیجه خیانت ملی خواندند و از همان آغاز علیه آن در نظر و عمل مبارزه کردند، سرفراز بدر آمدند و پراتیک خونین ده ساله کشور و خلق در بند ما بار دیگر پای تحلیل ها و تئوری های شان صحه گذاشت.

تبعات ناشی از تجاوز و اشغال ده ساله امپریالیستی کشور ما و سیاست های هستی برانداز امپریالیستها، افزون بر بُعد سیاسی آن، یعنی سلب استقلال و حاکمیت ملی و تبدیل شدن افغانستان به کشوری مستعمره، ابعاد دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. این عوارض اشغال دهساله در زندگی خلقهای اسیر کشور ما گسترده، عمیق و فاجعه آمیز بوده است. در پیرامون ابعاد مختلف پیامد های درد انگیز تجاوز و اشغال امپریالیستی و ره آورد سیاست های خانه خراب کن نیولیبرالی در افغانستان مستعمره، به خصوص بعد اقتصادی آن، در اعلامیه ها، آثار و مقالات تنوریک، تحقیقی و تحلیلی ما و سایر نیرو های انقلابی کشور روشننگری شده است. این بحثی است گسترده و حدیثی است مفصل تر از ظرفیت کوچک این اعلامیه.

با در نظر داشت مقاومت های خروشان تاریخی مردم ما در برابر تجاوزات پیشین به عنوان یک خصیصه، اینبار اشغال ده ساله کشور ما علی رغم عینیت کوهواره جنایات امپریالیست ها و ایادی بی مقدار و وطنفروش آنها و نفرت بی پایان مردم از عاملان آن جنایات، با وجود جرقه هائی، تا هنوز در مجموع از عدم تحرک عمومی و سرنوشت ساز مردم ما در تقابل آن حکایت دارد. این رخوت و درجا زدگی موقت عمومی در این اوضاع و شرایط ظلمانی، خود ناشی از علل چندی از جمله ضعف عامل ذهنی است. مدعیان راستین پیشآهنگ صف خلق هم اکنون با وضعیت موجودشان ناتوان تر از آنند که بتوانند محرک، ایجادگر و سازمانده جنبش عظیم و همه جانبه مردم به ضد تجاوز به کشور شان شوند و چنین جنبش عظیمی را تا به سر منزل مقصود برسانند، که باز با به انحراف کشاندن آن فاجعه دیگری بر خلق و کشور ما تحمیل نشود.

ازینرو بر نیروهای اصیل - نه کاذب - انقلابی است تا به پاسخ نیازهای عاجل مبارزاتی و رسیدن به تلاش مشترک در راستای نجات کشور و خلق ستمدیده ما، کار برای پیوند زدن کلیه نیروهای اصولی و انقلابی را در دستور روز قرار دهند. بحث جدی، هدفمند و سازنده و تبادل نظر منظم میان آحاد جنبش انقلابی که به پاکیزگی، صداقت و

جدیت یک دیگر باور داشته و شالوده های فکری نزدیک یا یکسان با هم دارند، برای انسجام و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی شان از طریق وحدت و مبارزه طی یک پروسه دیالکتیکی در جهت ایجاد سازمان واحد پیشآهنگ انقلابی ضرورت عاجل مبارزاتی این مقطع مبارزاتی کشور ما محسوب می شود.

بسیج نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در یک حرکت گسترده ملی - دموکراتیک "متکامل که تمام جوانب نیازمندی جنبش را پاسخ گوید، در پرتو منافع والای ملی از واقعیت های ملی و بین المللی حرکت نماید، در مقابل استعمار و ایادی رنگارنگ آن دارای موضع تهاجمی و سازش ناپذیر باشد و جوانب آن در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشته باشند، اتکاء به خود و اتکاء به مردم را متحقق ساخته، تناقضات تاریخی - سیاسی موجود را به نفع وحدت و ترقی حل کند و بدینصورت وبای تفرقه جویی محلی، قومی و سیاسی را محاصره کرده و با تیارز جوانب اجتماعی و انسانی جنبش، ضرورت وجودی خود را تثبیت و راه را برای یک بسیج علمی، دوامدار و دائم التجدد باز کند، ضرورت تأخیر ناپذیر است." که به ابتکار، سازماندهی و رهبری پیشآهنگ انقلابی باید صورت بگیرد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ادامه دهندگان) به سیاق گذشته، حاضر است اندرین راه با محافل و سازمان های انقلابی و عناصر و دسته های ملی - دموکرات و مترقی با پذیرش بار مسؤولیت مبتنی بر شناخت نسبی از این نیرو ها با گره زدن نکات اشتراک در قدم اول و حل اصولی نکات اختلاف در جریان عمل مشترک، با شرافت گام بردارد!

بریده باد زبانی که در برابر تجاوز به کشورش خاموش بماند!

به پیش در راه تحقق آرمان های نا تمام پیشکسوتان انقلابی ما!

به پیش در راه ایجاد سازمان واحد پیشآهنگ انقلابی!

به پیش در راه همبستگی و اتحاد کلیه نیروهای ملی و دموکرات انقلابی!

زنده باد آزادی! مرگ بر اسارت!

مرگ بر امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدینش و ارتجاع همدست آنها!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ادامه دهندگان)

پانزدهم میزان ۱۳۹۰ شمسی برابر با هفتم اکتوبر ۲۰۱۱ میلادی